



قانون اساسی چیست؟

قانون اساسی چیست؟

قانون اساسی، معرف ساختار نظام سیاسی و حقوقی هر کشور است که به حیث قانون مادر، الهام بخش همه قوانین در جامعه میباشد. قانون اساسی به قانونی اطلاق میشود که چگونگی حکومت و حدود اختیارات آن و حقوق و وظایف عمده افراد را معین مسازد. موضوع و محتویات مهم قانون اساسی، مطالعه روابط میان حکومت و مردم بوده و حقوق، امتیازات، صلاحیتها و حدود اختیارات این دو گروه را مشخص مسازد. در گذشته قانون اساسی به صورت مقررات پراکنده یا مدون یا عرفی یا مختلط از انواع آن در جوامع بزرگ؛ نظیر مصر قدیم، آریانای کبیر و چین وجود داشته است؛ لیکن از قرن هجدهم شکل جدید یافته و به صورت سندی در آمده است که اساسترین اصول و قواعد حاکم را به خود گرد آورده است. محتوای قانون اساسی هر کشوری فرق میکند. به این دلیل که هر دولت به مقتضای شرایط سیاسی خود، حجم موضوعات مندرج در قانون اساسی خود را تعیین میکند. از این رو بعضی از قوانین اساسی مختصر استند و بعضی دیگر مفصل؛ قوانین اساسی بنا بر متن، شکل و ماهیت آن به انواع مختلفی تقسیم میگردد؛ مانند: قانون اساسی مدون (مکتوب) و قانون اساسی غیر مدون یا تعاملی.

قانون اساسی مدون (مکتوب)

مجموعه‌یی از دستاویز و مقرراتی است که در یک متن تحریری گنجانیده شده و با تشریفات و طرز العمل خاص از طرف یک ارگان مشخص؛ مانند: لویه جرگه به تصویب میرسد. بیشتر کشورهای جهان دارنده یک سند یا وثیقه نوشته شده میباشد که به نام قانون اساسی مدون یاد میشود؛ مانند: قوانین اساسی افغانستان، ایالات متحده امریکا، سوئیس، ناروی، بلجیم، و غیره.

قانون اساسی غیر مدون یا غیر مکتوب

این قانون طوری که از نامش پیداست به صورت غیر مکتوب بوده، بدون آنکه در یک مجموعه‌یی تدوین و گنجانیده شود، شامل قواعد، دستورها، قوانین، رویه قضایی، فرمانهای ریاست دولت و بالاخره عرف و عادات جامعه میباشد. بعضی از کشورها دارای این وثیقه ملی یا قانون اساسی غیر مدون میباشد؛ مانند: کشورهای بهوتان و انگلستان.

قانون عادی

در واقع عبارت از آن قواعد و احکامی اند که از قانون اساسی الهام میگیرند.

تاریخچه مختصر قانون اساسی در افغانستان

نخستین قانون اساسی افغانستان به نام نظام نامه (نظامنامه اساسی) به همت شاه امان الله خان در سال 1303 هـ. ش. در لویه جرگه پغمان که در آن 1504 نفر نماینده اشتراک داشتند، تدوین و تصویب شد. بعضی از حقوق و آزادهای این نظامنامه؛ عبارتاند از: حق تابعیت مساوی برای همه اتباع کشور، آزادی حقوق شخصی، مصونیت شخصی، لغو بردهگی و منع استخدام افراد به حیث اسیر یا برده، حق تعلیم و تربیت و آزادی مکتبها و مدرسههای خصوصی و اجباری بودن تعلیمات ابتدایی، مصونیت ملکیت، منع شکنجه و غیره.

اصولنامه اساسی دولت افغانستان سال 1309 هـ.ش.

زمان محمد نادر دومین قانون اساسی در زمان سلطنت محمد نادر تدوین گردید و با تدویر لویه جرگه سال 1309 هـ.ش. به اشتراک 525 نفر نماینده به نام اصول نامه افغانستان تصویب گردید. فقط یک موضوع در این اصولنامه جدید است که به آن جنبه مردمی میدهد و آن عبارت از: تأسیس اولین پارلمان افغانستان است که دارای دو مجلس (شورای ملی و اعیان) میباشد طبق این اصولنامه کابینه نزد پارلمان مسؤول است.

قانون اساسی عهد محمد ظاهر شاه مصوب (1343 هـ.ش. برابر به (1964 م)).

سومین قانون اساسی در زمان محمد ظاهر شاه بعد از مناقشه متن جدید قانون اساسی توسط 459 نفر نماینده به امضا رسید و با توشیح محمدظاهر شاه به مرحله تطبیق در آمد. این قانون تغییرات مهمی در زندهگی سیاسی، اداری، فرهنگی و عدلی افغانستان وعده داد.

قانون اساسی دوران جمهوری محمد داوود مصوب سال 1355 هـ. ش

چهارمین قانون اساسی در زمان جمهوری سردار محمد داوود تدوین گردید. در آغاز تأسیس جمهوری، محمد داوود در بیانیه خود در 26 سرطان سال 1352 هـ.ش. تصویب قانون اساسی جدید را بر مبنای دموکراسی حقیقی وعده داده بود. این وعده برای مدت کمتر از چهار سال بدون تذکر دلیل معطل ماند، بالاخره در سال 1977 م. مسوده قانون اساسی در جراید انتشار یافت. از نکات مثبت این قانون، انتخابی بودن رئیس جمهور توسط لویه جرگه برای اولین بار در تاریخ افغانستان، مسؤول بودن رئیس دولت در صورت ارتکاب جرم، خیانت ملی، متهم شدن از طرف ولسی جرگه و محاکمه آن توسط لویه جرگه میباشد.

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان اول ثور 1359 هـ. ش .

پنجمین قانون اساسی افغانستان به نام اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان در سال 1359 هـ.ش. توسط شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در 10 فصل و 68 ماده به طور موقت تصویب و به اجرا گذاشته شد.

ششمین قانون اساسی در زمان ریاست جمهوری دکتور نجیب الله وضع گردید:

در لویه جرگه سال 1366 هـ.ش. در 13 فصل و 149 ماده تصویب و به توشیح دکتور نجیب الله رسید. هفتمین قانون اساسی افغانستان؛ هرگز به تصویب و توشیح نرسید. متن پیشنهاد شده اصول اساسی جدید افغانستان در دوران ریاست استاد برهان الدین ربانی بود که در 114 ماده توسط کمیسیون مرکب از 50 نفر تدوین گردید؛ ولی نظر به انتقاد احزاب جهادی و اقشار مختلف ملت که روی متن مسوده داشتند، به توشیح نرسید.

قانون اساسی فعلی کشور ما

مسوده هشتمین قانون اساسی در لویه جرگه قانون اساسی منعقدۀ 23 قوس 1382 هـ.ش. برابر به 14 دسامبر 2003 م. مورد بحث قرار گرفت و به تاریخ 14 جدی 1382 هـ.ش. قانون اساسی را به تصویب رسانید و بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شد.

محتویات عمده قانون اساسی

قانون اساسی کشور ما مشتمل بر یک مقدمه دوازده فصل و 162 ماده میباشد. فصل اول، در مورد دولت، فصل دوم، حقوق اساسی و وجایب اتباع، فصل سوم رئیس جمهور، فصل چهارم حکومت، فصل پنجم شورای ملی، فصل ششم، لویه جرگه، فصل هفتم قضا، فصل هشتم، اداره، فصل نهم، حالت اضطرار، فصل دهم، تعدیل، فصل یازدهم، احکام متفرقه فصل دوازدهم احکام انتقالی.

آیا می‌دانید موقف قانون اساسی فعلی در مورد دین مقدس اسلام چه است؟

مردم شریف افغانستان در قرن اول هـ.ق. زمانی که به دین مقدس اسلام مشرف شدند و آخرین آیین الهی را به رضا و رغبت قبول کردند، نه تنها این که تا حال به صفت یک ملت از احکام آن سرپیچی نکرده اند، بلکه خدمات شایانی را در مورد نشر و نهادینه ساختن مفاهیم این دین مقدس در طول تاریخ انجام داده اند، قانون اساسی فعلی کشور ما نیز با در نظر داشت 24 این حقیقت نام کشور را جمهوری اسلامافغانستان و دین دولت را دین مقدس اسلام قرار داده و همچنان در ماده سوم آن تصریح شده: در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد. که با تصریح فوق، اسلامبودن نظام قانونی کشور را در عرصه‌های مختلف حقوقی تأمین نموده و خواست همیشگی این ملت را لیبیک گفته است.

آیا می‌دانید اتباع کشور ما در پرتو قانون اساسی چه حقوقی دارند؟

روابط زنده گی اجتماعی نیاز به نظم و قوانین و مقررات دارد اگر در جامعه نظم و قانون وجود نداشته باشد، جامعه دچار هرج و مرج شده و از هم میپاشد؛ بنابراین بر قراری قانون و ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج در جامعه است که دولت به وجود می‌آید. یکی از مسایل مهم، توجه به روابط میان دولت و مردم و میزان آزادی‌های اتباع کشور است. به همین دلیل قانون اساسی جمهوری اسلامی به این موضوع توجه زیادی نموده است.

الف: حقوق سیاسی مردم

مقدمترین حقوق سیاسی ملت افغانستان حاکمیت بر سر نوشت اجتماعی است. بعضی از حقوق سیاسی ملت؛ عبارتند از: حق تابعیت، حق شرکت در مشاغل عمومی کشور، حق شرکت در انتخابات عمومی و حق انتخاب کردن، حق تشکیل احزاب و جمعیتها، حق اجتماع و تظاهرات بدون حمل سلاح و غیره....

ب: حقوق و آزادی‌های مدنی مردم

مقصد از حقوق مدنی، حقوقی است که هر فرد، از آن جهت که عضوی از اعضای اجتماع است. از آن مستفید میشود. بعضی از حقوق و آزادی‌های مدنی؛ عبارتاند از: حق زنده‌گی آزاد و امنیت شخصی، مساوات در برابر قانون، حق داد خواهی و انتخاب وکیل، مصونیت، محل اقامت حق ازدواج و تشکیل خانواده، حق دسترسی به خدمات صحی، حق حمایت از اطفال، رعایت حقوق دیگران و غیره.

ج: حقوق و آزادی‌های فرهنگی مردم

بعضی از آزادی‌های فرهنگی؛ عبارتاند از: حق تعلیم زن و مرد تا درجه لیسانس در نهادهای دولتی به صورت رایگان، تأمین تعلیمات متوسط اجباری، طرح پروگرامهای موثر و تطبیق آن در زمینه تدریس زبانهای مادری، دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بیسوادی در کشور، نصاب واحد تعلیمی، طرح و آن را تطبیق نماید.

د: حقوق اقتصادی مردم

بعضی از حقوق اقتصادی؛ عبارتاند از: هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه نماید، حق مالکیت از تعرض مصون است، هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است حق انتخاب شغل و حرفه، حق آزادی کار، حق دستمزد مساوی در مقابل کار مساوی و غیره. وظیفه شهروندان در پرتو قانون اساسی به ویژه حقوق اساسی و وجایب اتباع این است که قانون اساسی را به صورت درست بدانند و مطابق احکام آن عمل نمایند و نگذارند که افراد از مواد آن تخطی نمایند.

منبع:

کتاب درسی تعلیمات مدنی صنف 12 وزارت معارف افغانستان